

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۸۹

ص ص ۱۰۶-۸۷

بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی
دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

نازیلا عبداله‌زاده^۱

دکتر نعمت‌الله تقوی^۲

دکتر محمدباقر علیزاده‌آقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

چکیده

در این مقاله به تعیین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز پرداخته شده است. یک مطالعه پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد و سوال اصلی این تحقیق این است که: عمده‌ترین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز کدام‌ها هستند؟ جامعه آماری تحقیق حاضر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز هستند که ۲۵۶۱۱ نفر اعلام شده است. از این تعداد ۳۸۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند، که عبارتند از ۱۹۵ نفر مرد و ۱۸۹ نفر زن با میانگین سنی ۲۳ سال که ۶۷ نفر متاهل و ۳۱۹ نفر مجرد بودند. برای اندازه‌گیری متغیر مشارکت اجتماعی ۱۳ سؤال ۶ گزینه‌ای، متغیر هویت اجتماعی ۷ سؤال ۵ گزینه‌ای و متغیر رضایت از خدمات دانشگاه ۱۰ سؤال ۵ گزینه‌ای با استفاده از طیف لیکرت بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری spss انجام شد و از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، t تست استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد بین هویت اجتماعی، رضایت از خدمات دانشگاهی، با مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تبریز، ایران.

۲- استادیار بازنشسته گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

۳- عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان بر اساس جنسیت آنان متفاوت است و مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر بیش‌تر از دختر است.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، هویت اجتماعی، رضایت از خدمات دانشگاهی.

مقدمه

مشارکت اجتماعی از ضرورت‌های جامعه جدید است. چنان‌چه همه وظایف صرفاً بر عهده دولت نهاده شده و شهروندان بی‌حرکت به انتظار نشینند، کاری صورت نخواهد گرفت. هر تصمیم اجتماعی و متعاقب آن هر اقدام اجتماعی می‌بایست با مشارکت آحاد جامعه صورت گیرد و همان نیز تضمین توفیق آن خواهد بود. مشارکت اجتماعی از سوی دیگر، پدیده‌ای نیست، دستوری و اجباری نیز نیست. نیازمند فرهنگ عمیق و پایدار است (ساروخانی و دیگری، ۱۳۸۹).

مشارکت می‌تواند به اشکال و درجات گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی بیان شود. ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است (محسنی تیریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۵-۱۰۳).

موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی، مشارکت را «کوشش‌های سازمان‌یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند تعریف می‌کند» (ولف، ۱۹۸۳). یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان‌هاست. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چند سویه مطرح می‌شود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی- اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن هم‌فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت در فراگرد توان‌مندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۰: ۵).

مشارکت اجتماعی را می‌توان به اشکال مختلف تعریف کرد و آن امر از ماهیت چند بُعدی از ابعاد متنوع آن به دست می‌آید. مشارکت معادل اصطلاح Participation انگلیسی است. این کلمه از ریشه part به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده و از ریشه لاتین Participatia به معنای با خود داشتن، در

نفس خویش چیزی از غیر داشتن و سهمی در چیزی غیر از خود داشتن، اخذ شده است و به معنی سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است (آریانپور، ۱۳۷۳).

با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی به عنوان موضوع اصلی، می‌توان گفت مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود. اشکال مشارکت اجتماعی (داوطلبانه) را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: الف) نهادی (رسمی) که دربرگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است ب) مشارکت غیر رسمی، که خود در برگیرنده دو نوع است:

۱) درگیری اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود.

۲) مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند. ضمناً با توجه به هدف نیز دو نوع مشارکت را می‌توان نام برد: الف) ابزاری^۱ که شامل فعالیت‌هایی است که خارج از گروه مشارکت کننده هدایت شده و یا هدایت می‌شود، ب) هدفمند^۲ که مشارکت اجتماعی به صورت خودکفا، هدفمند و جذاب و تحت نظارت خود اعضا است (هلی، ۲۰۰۱: ۲).

در هر صورت با توجه به افزایش جمعیت و شهرنشینی در یک‌صد سال اخیر، هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه، لزوم مشارکت اجتماعی را می‌طلبند. با توجه به نقش مشارکت در توان‌مندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه، مشکلات ناشی از عدم مشارکت و مشارکت محدود در امور شهری در جامعه ایران که در حال گذر از جامعه سنتی به مدرن می‌باشد، به عنوان یک مسأله اساسی و مهم در مدیریت شهری مطرح می‌گردد.

حال با توجه به مطالب ذکر شده این مسأله مطرح می‌شود که میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان در چه حد است و در این مشارکت چه عواملی نقش دارند یا به عبارتی فاکتورهای مؤثر در مشارکت اجتماعی دانشجویان کدام است.

تعامل دانشگاه و جامعه بدون تردید یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن و خصوصاً جوامع پیشرفته است. دانشگاه همیشه نهادی بوده و خواهد بود که جامعه برای تحصیل و یافتن پاسخ مسائل مهم روز خود به آن مراجعه می‌کند. از طرفی توسعه پایدار که همان تحول و دگرگونی در عرصه سیاست با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌باشد، یکی از آرمان‌های اصلی هر جامعه بوده و تمام جوامع

1- Instrumental
2- Expressive
3- Helly

بشری در صددند با رسیدن به توسعه پایدار در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به تجلی و شکوفایی برسند. ازسویی دیگر، توسعه پایدار به دنبال افزایش مشارکت هدایت‌شده مردم در امور ذکر شده می‌باشد. از این‌رو مردمی‌شدن فعالیت‌ها و تشکل‌های اجتماعی، هدف نهایی توسعه پایدار بوده و شاید بدین علت است که مشارکت شهروندان در حیات اجتماعی خود، همواره مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه اجتماعی و سیاسی بوده است. حدودبندی قدرت حاکمان و تضمین توسعه وقتی امکان دارد که شهروندان بتوانند در سرنوشت خود دخیل بوده و مشارکت داشته باشند، چرا که مشارکت و درگیر ساختن توده مردم در حیات اجتماعی است که باعث ایجاد ثبات و پایداری در نظام اجتماعی خواهد شد. از سوی دیگر مشارکت قشر دانشگاهی جامعه باعث بالا رفتن قدرت چانه زنی در قبال قدرت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری است و در حقیقت قشر دانشگاهی به عنوان پل ارتباطی بین توده مردم و قدرت‌های حاکم و عمومی، باعث به بار نشستن آرمان‌ها و آمال توده مردم می‌گردند. از این‌رو شناخت میزان مشارکت دانشجویان در امور و فعالیت‌های اجتماعی شهر و فرآیند تصمیم‌گیری ضروری بوده و از اهمیت شایانی برخوردار است و به تبع شناخت همین عوامل موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق است تا از این رهگذر، نیازها و مطالبات و برخی عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی مؤثر در این امر مشخص و ریشه‌یابی گردد و مورد تعمق قرار گیرد تا راهکارهای مناسب برای دستیابی به درک واقع‌گرایانه از کنش‌های افراد و اقشار مختلف ارائه شود.

چارچوب نظری

مشارکت

در دیدگاه جامعه‌شناسی مشارکت بر فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، نهادهای خانوادگی، منزلت اجتماعی، نظام تعلیم و تربیت و ... تأکید می‌شود از این رویکرد فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد هستند. این دیدگاه فرآیندهای ساختاری و پهن دامنه اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش ارتباطات جمعی، ساخت قدرت حاکم، پویایی گروهی، سواد و منزلت اجتماعی را بر مشارکت افراد مؤثر دانسته و با مطالعه همبستگی‌های موجود بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی از یک‌سو و رفتار رأی دهندگان از سوی دیگر به این نتیجه می‌رسد که چگونگی رأی دادن مردم تا اندازه قابل توجهی حاصل جامعه‌پذیری سیاسی است. فرآیندی که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از راه کسب اطلاعات و تجربیات، با وظایف حقوق و نقش‌های خویش در جامعه آگاه می‌شوند. در این فرآیند ارزش‌ها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (قوام، ۱۳۷۴: ۷۷).

حسب تئوری مبادله و آرا جورج هومنز، هر رفتاری که پاداش بیش‌تری را برای فرد به دنبال داشته باشد و یا فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست احتمال این‌که آن رفتار از فرد سر بزند بیش‌تر خواهد بود. او با استفاده از پنج قضیه مهم مبادرت به تبیین عمل انسانی (رفتار انسانی) می‌کند: قضیه اول، موفقیت، عملی که منجر به پاداش می‌گردد تکرار می‌شود.

قضیه دوم، انگیزه، اگر در گذشته وجود یک انگیزه خاص و یا یک مجموعه از انگیزه‌ها فرصتی بوده است که در آن عمل شخص به پاداش منجر شود، هر قدر وضعیت جدید شبیه گذشته باشد، احتمال این‌که فرد، به انجام عمل یا اعمال مشابه آن دست بزند، بیش‌تر است.

قضیه سوم، ارزش، هر اندازه نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش‌تر باشد به همان اندازه علاقه وی نسبت به تکرار آن عمل بیش‌تر می‌شود. نتیجه مثبت - عمل، نتیجه منفی - عدم عمل.

قضیه چهارم، قضیه محرومیت یا اشباع، هر اندازه فرد در گذشته نزدیک، نوع خاصی از پاداش را دریافت کرده باشد به همان اندازه واحدهای بعدی آن پاداش برای وی ارزش کم‌تری در پی خواهد داشت.

قضیه پنجم، قضیه پرخاش، تجاوز - تأیید

الف- پرخاش، تجاوز: هنگامی که رفتار فرد پاداش مورد انتظارش را دریافت نمی‌کند یا با تنبیهی که انتظارش را نداشته روبه رو می‌شود عصبانی شده، بیش‌تر به انجام دادن رفتار پرخاشگرانه متمایل می‌شود و نتایج چنان رفتار برایش ارزشمندتر می‌شود.

ب- تأیید: وقتی عمل فرد پاداش مورد انتظار، به ویژه پاداش بیش‌تر از آن دریافت می‌کند و یا تنبیه مورد انتظار را دریافت نمی‌کند در این حالت است که فرد بیش‌تر به انجام عمل پسندیده متمایل خواهد گردید و نتایج چنان عملی برایش ارزشمندتر خواهد شد (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۳۲-۴۱۹).

تئوری نیل اسملسر تحت عنوان «تئوری کشش اجتماعی»، سعی در تبیین رفتار جمعی دارد به رغم او مردم تحت فشار حاصل از ناامنی، تهدید، فقر و ... سعی در ایجاد تغییر در محیط خود از طریق رفتار جمعی می‌نمایند (تقوی طلب و دیگری، ۱۳۸۰: ۷۳).

اسملسر شش عامل را نام می‌برد که وجودشان جهت ایجاد یک رفتار جمعی «لازم» و «کافی» است. این عوامل عبارتند از:

شرایط مساعد ساختاری: این واژه به شرایط کلی که جهت ایجاد یک رفتار جمعی لازم است اطلاق می‌گردد.

کشش ساختاری: هر جامعه‌ای به طریقی بر مردم فشار وارد می‌سازد: مثل فقر، تبعیض، ناامنی، نگرانی درباره آینده، مردم را سوی یک رفتار اجتماعی (تحول) سوق می‌دهد تا از آن ناراحتی‌ها خلاصی یابند.

رشد و گسترش عقاید تعمیم یافته: وجود شرایط مساعد ساختاری و کشش ساختاری برای ایجاد رفتار جمعی کافی نیست بلکه مردم باید در سطح وسیعی درباره شرایط اجتماعی، شناخت مسائل، موضع‌گیری

در برابر آن‌ها و راه حل آن‌ها عقاید مشترکی داشته باشند. مثلاً اگر مردم فقر و تبعیض را امری متافیزیکی و لاینحل بشمارند هرگز به فکر اعتراض و رفع آن نخواهند افتاد و رفتار جمعی شکل نخواهد گرفت.

عوامل مشارکت‌انگیز: عوامل برانگیزنده، نظرات مردم را که همیشه درباره شرایط ناگوار زندگی داشته‌اند، تأیید می‌کند و حتی ممکن است افکار مردم را از حالت مبهم خارج کرده و بدان صورت مشخص ببخشد.

بسیج برای اقدام: برای این که رفتار جمعی شکل بگیرد باید مردم تشکل یابند بنابراین سازمان و ساختار اولیه برای گردهمایی مردم جهت اقدام لازم است.

اهرم‌های کنترل جامعه: چگونگی هدایت اجتماعی توسط نخبگان جامعه مشخص می‌شود و این امر است که تداوم یا عدم تداوم رفتار جمعی را معین می‌سازد.

یورگن هابرماس^۱ (حوزه عمومی و مشارکت اجتماعی):

هابرماس سه نوع کنش را از هم تفکیک می‌کند:

کنش ابزاری، کنش استراتژیک و کنش ارتباطی. کنش ابزاری، دارای موقعیتی غیر اجتماعی است و در سطح بین فردی عقلانیت ابزاری را همراه می‌آورد، یعنی جست و جوی سود و به پیش بردن منافع شخصی اگر از زاویه میان یک شناسنده و یک شناسا دست به کنش بزینم گرفتار خرد ابزاری شده و دست به کنش ابزاری زده‌ایم (کرایب، ۱۳۸۰).

کنش استراتژیک یا راهبردی و کنش ارتباطی هر دو دارای موقعیت اجتماعی‌اند. کنش استراتژیک کنش هدفدار - عقلانی است که به عمل دو یا چند فرد مربوط می‌شود که در تعقیب یک هدف، کنش معقولانه هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند. مانند کنش‌هایی که در درون سازمان‌ها صورت می‌گیرد و این نوع در جست و جوی موفقیت است در حالی که در کنش ارتباطی افراد به دنبال موفقیت شخصی‌شان نیستند، بلکه اهداف‌شان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند و این واکنش عقلانی و بنیادی است و توجه به آن سبب می‌شود که در آن همه به ابزارهای خرد، فرصت مشارکت در بحث، طرح نظرات و مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی دسترسی پیدا کنند. این نوع کنش در جست و جوی تفاهم است. توافقی که در ضمن کنش ارتباطی حاصل شده مبنایی عقلانی دارد. زیرا هیچ یک از طرفین نمی‌توانند آن را تحمیل کنند (کرایب، ۱۳۸۰).

هابرماس فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی می‌نامد. منظور وی از حوزه عمومی عرصه و قلمرویی از حیات اجتماعی انسان‌هاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره مسایل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد بدون قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار - با یکدیگر

1- Habermas

مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی رفتار می‌کنند. تعبیر افکار عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیر رسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱).

هابرماس حوزه عمومی را یکی از مقوله‌های جهان مدرن یعنی جامعه بورژوازی می‌داند. او استدلال می‌کند که حوزه عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله معانی بین افراد و گروه‌ها از کنش ارتباطی استفاده می‌کنند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب، ۱۳۷۸).

اهمیت تأکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل‌گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساساً ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات جامعه وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنت و عوامل سنتی ایجاد کننده مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی، اصل دستیابی به وفاق اجتماعی و توافق بر سر آن چه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می‌شود را ممکن می‌کند. هابرماس درباره رابطه شکل‌گیری هویت جمعی «ما» با بحث و گفتگو در مجامع و گروه‌ها و انجمن‌های جامعه و حوزه عمومی به طور کلی، در موارد مختلف تأکید کرده و شکل‌گیری هویت را اساساً فعالیت جمعی و توأم با بحث و گفتگوی استدلالی و همراه با اقتباس نقادانه از سنت و علوم و فلسفه می‌داند. عمل و گفتار جمعی است که علایق جمعی و هویت جمعی را شکل می‌دهد (رضایی، ۱۳۷۴).

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران می‌کند و بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد وابسته به برداشت دیگران است و شناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت است، در معنای اصلی هویت، تشابه و تمایز مطلق است. همه هویت‌های انسانی، حتی هویت فردی که در خویشی تجسم می‌یابد و بر اساس نحوه ارتباط با دیگران و تجربه‌های دوران حیات شکل می‌گیرد، اجتماعی‌اند، چون به معنا مربوط می‌شوند و معنا نتیجه توافق و عدم توافق و موکول به جمع است. به علاوه هویت اجتماعی شخص هیچ‌گاه تمام شده نیست و مدام در معرض تغییر و تحول و بازنگری است (جنکینز، ۱۳۸۱). اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین رویکرد جامعه‌شناختی برای تحلیل «هویت اجتماعی» تمایزی است که بین دو مفهوم جامعه سنتی و جامعه مدرن ایجاد شده است. در جوامع سنتی مبنای هویت اجتماعی افراد، ویژگی‌های انتسابی، خانوادگی، ایلی و خونی آن‌هاست. نظام عشیره‌ای یا ایلی، نمود بارز این پیوندهای انتسابی است. در این تعریف از هویت اجتماعی، هویت امری ثابت، پایدار و تغییرناپذیر است و تحرک اجتماعی و موفقیت‌های فردی تغییری در بنیاد هویتی فرد ایجاد نمی‌کند، اما در جوامع مدرن، مبنای هویت اجتماعی متأثر از دو رویکرد متفاوت و متمایز است و این رویکردها به

تناسب نظام فکری و چارچوب تئوریک خود، پاسخ‌های متفاوتی را در مورد علل و عوامل تعیین‌کننده هویت اجتماعی افراد برمی‌شمارند. در رویکرد نخست و قدیمی‌تر، فعالیت مولد و جایگاه فرد در نظام تولید، شالوده هویت اجتماعی اوست. این رویکرد مبتنی بر نظریات اخیر بوده و در مفهوم سبک فرمول‌بندی می‌شود (اباذری و دیگری، ۱۳۸۱). در این تعریف، هویت اجتماعی در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸).

به طور کلی، هویت اجتماعی ترکیبی از مضمون‌های درهم آمیخته و جدایی‌ناپذیر اجتماعی-روانی در خلال تعامل است که با تمایزگذاری‌های گروهی مبتنی بر شباهت و تفاوت معنی می‌یابند و همیشه معنای خویش را هم‌زمان از ساخت‌های تاریخی و ساختاری جهان محلی و جهان بزرگ‌تر می‌گیرند. عمل برساختن هویت، فرایند مداومی است که براساس دیالکتیک درونی و بیرونی تعریف و باز تعریف می‌شود (خالق‌پناه، ۱۳۸۴). تاجفل هویت اجتماعی را آگاهی فرد از تعلقش به گروه خاصی تعریف می‌کند که در جریان آن، فرد از نظر ارزشی و عاطفی تأمین می‌شود. به عبارت دیگر هویت اجتماعی احساس تعلق فرد به گروه خاصی است و بنابراین با هویت شخصی که بیانگر نگرش‌های منحصر به فرد شخص است، تفاوت دارد (تاجفل، ۱۹۷۹). وی عضویت گروهی و به تبع آن هویت اجتماعی را متشکل از سه عنصر می‌داند، عنصر شناختی (آگاهی از این‌که فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات به گروه و افرادی که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بنابراین هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل بخشی از برداشت فرد درباره خود است که از آگاهی او به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و اهمیت ارزشی و احساسی عضویت را نیز در بر می‌گیرد (تاجفل، ۱۹۷۹).

رضایت از خدمات دانشگاه

دانشجویان به عنوان یکی از ارکان اصلی دانشگاه، پیکره اصلی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف جامعه را در آینده تشکیل می‌دهند. رضایت‌مندی آنان از کلیه فعالیت‌های انجام شده در دانشگاه می‌تواند در نگرش آن‌ها به رشته تحصیلی‌شان در جهت ایجاد انگیزش و حفظ ارتقاء کیفیت آموزشی موثر باشد. به عقیده نهرینگ دانشجویان به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات، بهترین منبع ارزیابی این خدمات هستند. دانشگاه‌ها به عنوان محیط یادگیری بایستی امکانات لازم را برای تغییرات مثبت و سازنده در نگرش دانشجویان فراهم آورند تا با تشویق و ایجاد رغبت بیشتر، یادگیری پایدار و مستمر گردد. برای ایجاد تغییرات سازنده وجود اطلاعات توصیفی در مورد وضع موجود و اطلاع در مورد نگرش دانشجویان از خدمات ارائه شده ضروری است (محمدیان و دیگری، ۱۳۸۸).

پیشینه تحقیق

سفیری (۱۳۸۴) در مقاله مشارکت اجتماعی جوانان، یادآور می‌شود سازمان‌های غیر دولتی بر حسب نوع آن می‌توانند جوانان را جهت فعال شدن در سطوح محله‌ها و شهر و منطقه‌ای و ملی به مشارکت اجتماعی دعوت نموده و به این ترتیب آنان را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند.

سفیری و صادقی (۱۳۸۸) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که رابطه سه متغیر اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره با مشارکت اجتماعی معنادار می‌باشد و بیش‌ترین تاثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دارد.

در تحقیق که توسط شفیع (۱۳۸۴) در شهر اردبیل به انجام رسیده است. نتایج به دست آمده ناشی از این تحقیق را می‌توان چنین خلاصه کرد: ۱- میزان مشارکت شهروندان مرد در امور شهری بیش‌تر از زنان می‌باشد. ۲- هر چه سن افراد مورد مطالعه بالاتر باشد میزان مشارکت آن‌ها در امور شهری بیش‌تر خواهد بود. ۳- تفاوت معنی‌داری از نظر میزان مشارکت بین افراد شاغل و غیرشاغل وجود دارد. ۴- بین شهروندان از نظر مشارکت اجتماعی با توجه به نوع شغل آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. ۵- بین شهروندان از نظر مشارکت اجتماعی با توجه به سطح تحصیلات آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان مشارکت افراد با تحصیلات بالاتر بیش‌تر از افراد با سطح تحصیلات پایین است. ۶- تفاوت معنی‌داری از نظر میزان مشارکت بین متأهلین و افراد مجرد وجود دارد. افراد متأهل مشارکت بیش‌تری در امور شهری دارند. ۷- بین پایگاه اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که میزان مشارکت در میان شهروندان متعلق به پایگاه اجتماعی پایین کمتر از پایگاه اجتماعی بالا و متوسط جامعه مورد مطالعه است. ۸- هر چه میزان رضایت فرد از خدمات شهری بیش‌تر باشد میزان مشارکت او نیز در امور شهری بیش‌تر می‌شود.

محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) در تحقیق خود در زمینه مشارکت دریافتند که: مشارکت در انجمن‌های علمی و فرهنگی در ایران بسیار ضعیف است. مشارکت مردان با انجمن‌های علمی و فرهنگی بیش از مشارکت زنان است. با افزایش سطح سواد، اطلاعات عمومی و اعتقاد کمتر به جبرگرایی، ارتباط با انجمن‌های علمی و فرهنگی بیش‌تر می‌شود. عوامل فرهنگی بیش از عوامل مادی در میزان مشارکت افراد با انجمن‌های علمی و فرهنگی نقش دارند. جوانان بیش از بقیه در فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند. مشارکت مردان با گروه‌ها بیش از زنان است. کسانی که دارای مدرک دانشگاهی و اطلاعات عمومی بالا هستند، همکاری بیش‌تری با گروه‌ها و نهادها دارند. در رابطه با متغیرهای اقتصادی، بالاترین شاخص مشارکت نزد افراد طبقه اجتماعی بالا، برخوردار از درآمد متوسط و یا بالا و محصلین و دانشجویان ملاحظه می‌گردد. عوامل فرهنگی بیش از عوامل اقتصادی در مشارکت افراد در گروه‌ها نقش دارند.

یافته‌های پژوهش نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) حاکی از میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده است. هم‌چنین همبستگی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای

پیش‌بین (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی - سیاسی) برقرار است (نوروزی و دیگری، ۱۳۸۸).

پرایس^۱ (۲۰۰۲) دریافت که علی‌رغم تأکیدهای نقش فرهنگ و ارزش‌ها در چنین فعالیت‌هایی، متغیرهای اقتصادی در متاثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن‌ها اهمیت بسیاری دارد (پرایس، ۲۰۰۲).

آلموند و پاول^۲، ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان معتقدند که شهروندان تحصیل کرده، ثروت‌مند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این‌گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (آلموند و دیگری، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

اهداف تحقیق

هدف کلی

تعیین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

اهداف اختصاصی

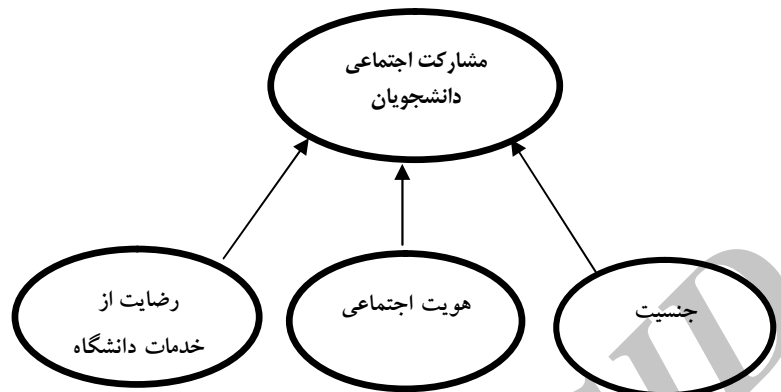
- تعیین ارتباط بین هویت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- تعیین ارتباط بین رضایت از خدمات دانشگاه با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- تعیین تفاوت میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین هویت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد.
- ۲- بین رضایت از خدمات دانشگاه با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد.
- ۳- میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان متفاوت است.
- ۴- میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان متفاوت است.

1- Price

2- Almond & Powell



شکل شماره (۱): مدل تحلیلی تحقیق

تعریف متغیرها

مشارکت اجتماعی

تعریف نظری

هلی مشارکت اجتماعی را به صورت مشارکت افراد در فعالیت گروه‌های خارج از خانواده، عرصه سیاسی و محیط کار تعریف می‌کند. با توجه به تعریف هلی می‌توان گفت مشارکت اجتماعی عبارت است از هرگونه کنش متقابل داوطلبانه، آگاهانه و جمعی افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های خارج از خانواده و همه گروه‌های فعال غیروابسته به سازمان‌های سیاسی، گروه‌های فشار و اتحادیه‌های کارگری که به صورت مشارکت رسمی و غیر رسمی مورد مطالعه قرار می‌گیرند (یزدان‌پناه و دیگری، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

تعریف عملیاتی

برای مشارکت اجتماعی، شاخص‌های زیر در نظر گرفته شد: مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و انجمن‌ها مانند هلال احمر، گروه‌های ورزشی و...، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، همکاری با مؤسسات خیریه، همکاری با گروه‌های دوستانه و خانوادگی. با توجه به این شاخص‌ها گویه‌های مربوط به این متغیر تنظیم شدند.

هویت اجتماعی

تعریف نظری

تعریفی است که فرد از خودش براساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

تعریف عملیاتی

هویت جمعی معرف احساس تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر خانواده، طبقه اجتماعی، قوم و ملیت و ... و احساس تعهد و وفاداری در برابر آن‌هاست. این نوع هویت که معمولاً با ضمیر جمع (ما) بیان می‌شود. رابطه فرد با گروه‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند و در برابر این پرسش‌ها، مطرح می‌شود که ما کیستیم و چیستیم؟ و دیگران کیستند و چیستند؟ (به نقل از جباروند جاوید، ۱۳۸۸).

رضایت از خدمات دانشگاه**تعریف نظری**

اولیور رضایت را به عنوان یک وضعیت روان‌شناختی تعریف می‌کند که با ارزیابی و انتظار هر فرد نسبت به موضوع خاصی مرتبط است. عناصر کلیدی این تعریف شامل ارزیابی، وضعیت روان‌شناختی و واکنش عاطفی خود می‌باشد.

تعریف عملیاتی

منظور این است که رضایت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز از امکانات رفاهی، تفریحی، ورزشی، علمی و ... دانشگاه چه قدر است و آیا مکان‌هایی نظیر استخر، کتابخانه، باشگاه، ورزشگاه و آزمایشگاه و ... در دانشگاه جوابگوی نیازهای آنان می‌باشد.

جنسیت**(۱) تعریف نظری**

این متغیر مربوط به مشخصات عمومی و به معنای مذکر و مؤنث بودن دانشجویان می‌باشد.

(۲) تعریف عملیاتی

۱- مرد
۲- زن

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق را دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی (۹۱-۱۳۹۰) تشکیل می‌دهند که در حال حاضر در محل مذکور مشغول به فعالیت می‌باشند. که طبق آمار اعلام شده از طرف دانشگاه حدود ۲۵۶۱۱ نفر می‌باشد.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه آماری تحقیق فوق را ۳۸۶ نفر دانشجوی دانشگاه آزاد تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است.

$$n = \frac{N \times t^2 s^2}{\left[N \times d^2 \right] + t^2 s^2} = \frac{25611 \times (1/96)^2 \times (0/47)^2}{\left[25611 \times (0/05)^2 \right] + (1/96)^2 \times (0/47)^2} = 386$$

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با تصادفی سیستماتیک استفاده شده است به این ترتیب که ابتدا از کل دانشگاه ۷ گروه انتخاب شده و سپس از هر گروه ۳ رشته و از هر رشته ۳ کلاس انتخاب شده و دانشجویان آن کلاس‌ها به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق در قسمت اول مطالعه منابع و فیش‌برداری و در بخش دوم پرسشنامه و مصاحبه بوده است. با استفاده از روش پیمایش با تدوین پرسشنامه‌ای متناسب با موضوع تحقیق و فرضیه‌های مطرح شده، پرسشنامه‌ای به افراد نمونه ارائه شده و اطلاعات جمع‌آوری شد و جهت بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری از اعتبار صوری و محتوایی و برای بررسی پایایی هر یک از متغیرها و سازه‌ها از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر با نرم افزار spss پردازش و تجزیه و تحلیل شده است و بعد از پردازش داده‌ها و شاخص‌بندی کردن آن‌ها جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری فرضیه‌های تحقیق از روش‌های توصیفی نظیر: درصدگیری، فراوانی، محاسبه، میانگین و ... رسم نمودارها و جداول مختلف و روش‌های آمار استنباطی مانند آزمون همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس، آزمون تفاوت میانگین‌ها و معادله رگرسیون استفاده شده است. به طوری که برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل، تحلیل واریانس و رگرسیون استفاده شد.

اعتبار و پایایی متغیرها

در این پژوهش برای تأمین اعتبار ابزار پژوهش از روش اعتبار صوری استفاده شده است، بدین گونه که پرسشنامه در اختیار اساتید و کارشناسان صاحب‌نظر (به ویژه بازمینی اساتید راهنما و مشاور) قرار گرفته تا پرسشنامه را مطالعه و اعتبار آن را بررسی نمایند و پایایی سوال‌های پرسشنامه براساس آزمون آلفای کرونباخ انجام شده مقدار آلفای به دست آمده متغیرهای تحقیق به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد.

جدول شماره (۱): پایایی متغیرهای مورد مطالعه

مقدار پایایی محاسبه شده	متغیر
.۹۲	مشارکت اجتماعی
۰/۶۰	هویت اجتماعی
.۸۸	رضایت از خدمات دانشگاه

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: بین هویت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲): همبستگی بین هویت اجتماعی و

مشارکت اجتماعی دانشجویان

مشارکت اجتماعی	متغیر
$r=0/265$ $p=0/000$ $n=386$	هویت اجتماعی

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) و مطابق آزمون همبستگی پیرسون انجام شده ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر $r=0/265$ با سطح معنی‌داری $p=0/000$ به دست آمده است که چون سطح معنی‌داری از $0/05$ کمتر است نتیجه می‌شود رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی برقرار است. ولی با توجه به مقدار r رابطه بین این دو متغیر ضعیف می‌باشد.

فرضیه دوم: بین رضایت از خدمات دانشگاه با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلا می واحد تبریز رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۳): همبستگی بین رضایت از خدمات دانشگاه و

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	متغیر
$r=0/202$ $p=0/000$ $n=386$	رضایت از خدمات دانشگاه

براساس اطلاعات جدول شماره (۳) و مطابق آزمون همبستگی پیرسون انجام شده ملاحظه می شود مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر $r=0/202$ با سطح معنی داری $p=0/000$ به دست آمده است که چون سطح معنی داری از $0/05$ کمتر است نتیجه می شود رابطه معنی دار و مستقیمی بین رضایت دانشجویان از خدمات دانشگاه و مشارکت اجتماعی برقرار است که با توجه به مقدار r رابطه بسیار ضعیف می باشد.

فرضیه سوم: میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان متفاوت است. از آن جا که مشارکت اجتماعی دانشجویان به صورت کمی و جنسیت به صورت کیفی دو حالت سنجیده شده است بنابراین از آزمون t مستقل استفاده کرده و براساس اطلاعات جدول شماره (۵) ملاحظه کردیم متوسط نمره مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر برابر $45/21$ با انحراف استاندارد $24/88$ و دانشجویان دختر برابر $35/83$ با انحراف - استاندارد $22/37$ به دست آمده است که طبق معیار $t=3/881$ و $p=0/000$ نتیجه می شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت معنی دار است، زیرا سطح معنی داری از $0/05$ کمتر است.

جدول شماره (۵): مقایسه مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی داری
مشارکت	مرد	۱۹۵	۴۵/۲۱	۳/۸۸	۳۸۲	۰/۰۰۰
	زن	۱۸۹	۳۵/۸۳			

از آن‌جا که مشارکت اجتماعی دانشجویان به صورت کمی و جنسیت به صورت کیفی دوحالته سنجیده شده است، بنابراین از آزمون t مستقل استفاده کرده و براساس اطلاعات جدول شماره (۵) ملاحظه کردیم متوسط نمره مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر برابر $45/21$ با انحراف استاندارد $24/88$ و دانشجویان دختر برابر $35/83$ با انحراف - استاندارد $22/37$ به دست آمده است که طبق معیار $t=3/881$ و $p=0/000$ نتیجه می‌شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت معنی‌دار است زیرا سطح معنی‌داری از $0/05$ کمتر است.

فرضیه چهارم: میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان متفاوت است.

جدول شماره (۶): مقایسه مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون f	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
فنی مهندسی	۶۶	۳۴/۸۱	۲۲/۰۵۳	۲/۹۳	۶	۰/۰۰۸
کشاورزی	۳۶	۴۰/۴۳	۲۹/۵۷			
علوم انسانی	۱۵۳	۴۵/۱۸	۲۵/۲۲			
علوم پایه	۳۲	۴۱/۶۴	۲۲/۷۶			
هنر و معماری	۲۷	۲۷/۹۹	۱۸/۳۴			
علوم پزشکی	۴۲	۳۹/۸۸	۱۸/۶۱			
پیراپزشکی	۲۱	۴۲/۴۹	۲۱/۳۷			
	۳۷۷	۴۰/۶۴	۲۴/۰۱			
کل						

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۶) و مطابق آزمون تحلیل واریانس انجام شده ملاحظه می‌شود متوسط نمره مشارکت اجتماعی دانشجویان در رشته فنی مهندسی برابر $34/81$ ، دانشجویان کشاورزی برابر $40/43$ ، علوم انسانی برابر $45/18$ ، علوم پایه برابر $41/64$ ، هنر و معماری برابر $27/99$ ، علوم پزشکی برابر $39/88$ و مشارکت اجتماعی پیراپزشکی برابر $42/49$ به دست آمده است که طبق معیار $f=2/933$ و $p=0/008$ نتیجه می‌شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان معنی‌دار است زیرا سطح معنی‌داری از $0/05$ کمتر است و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان رشته علوم انسانی بالاتر از رشته‌های دیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی را می‌توان «فرآیند سازمان‌یافته‌ای که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند» (سفیری و دیگری، ۱۳۸۸).

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان مشارکت دانشجویان تحت تأثیر عواملی چون هویت اجتماعی و رضایت از خدمات دانشگاه است. به طور کلی متغیرهای فوق در ایجاد باب مشارکت یا عدم مشارکت بسیار مهم هستند.

اولین فرضیه این تحقیق به بررسی رابطه بین هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی دانشجویان پرداخته و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مقدار $r=0/265$ و $p=0/000$ مشخص شد که رابطه معنی‌داری بین هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد آگاهی به هویت شخصی و اعتماد، اطمینان و کنش متقابل اشخاص نقش مهمی در هویت اجتماعی برعهده دارند. تاجفل هویت اجتماعی را آگاهی فرد از تعلق‌اش به گروه خاصی تعریف می‌کند که در جریان آن، فرد از نظر ارزشی و عاطفی تأمین می‌شود. به عبارت دیگر هویت اجتماعی احساس تعلق فرد به گروه خاصی است و بنابراین با هویت شخصی که بیانگر نگرش‌های منحصر به فرد شخص است، تفاوت دارد (تاجفل، ۱۹۷۹) و در این گروه خاص است که فرد احساس مسئولیت و تعهد می‌کند و در جهت انجام بهتر وظایف‌اش و پیشبرد بهینه امور بیش‌ترین تلاش‌اش را می‌کند و می‌کوشد این مشارکت اجتماعی را به بهترین نحو ممکن به انجام رساند. پس می‌توان گفت یافته این تحقیق با این نظریه همخوانی دارد.

دومین فرضیه این تحقیق به بررسی رابطه بین رضایت از خدمات دانشگاه با مشارکت اجتماعی پرداخته و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مقدار $r=0/202$ و $p=0/000$ مشخص شد که رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین رضایت دانشجویان از خدمات دانشگاه و مشارکت اجتماعی وجود دارد. یعنی هر چه رضایت از خدمات دانشگاه در نزد دانشجویان بیش‌تر باشد به همان نسبت بیش‌تر در امور مربوط به دانشگاه مشارکت می‌کنند که این یافته تحقیق هم‌سو با تحقیق شفیع (۱۳۸۴) می‌باشد که متعقد بود در امور مربوط به شهر هم هر چه میزان رضایت فرد از خدمات شهری بیش‌تر باشد میزان مشارکت او نیز در امور شهری بیش‌تر می‌شود.

رضایت نوعی وضعیت روان‌شناختی می‌باشد که با ارزیابی و انتظار هر فرد نسبت به موضوع خاصی مرتبط است. عناصر کلیدی تعریف رضایت شامل ارزیابی، وضعیت روان‌شناختی و واکنش عاطفی خود می‌باشد. در این تحقیق هم دانشجویان نشان دادند هر قدر ارزیابی‌شان از خدمات دانشگاه شامل امکانات

رفاهی، تفریحی، ورزشی و علمی بهتر باشد به همان قدر واکنش‌های عاطفی و روان‌شناختی آن‌ها نسبت به امور دانشگاه بیشتر می‌شود و مشارکت بیشتر تری در کارهای مربوط به دانشگاه می‌کنند.

فرضیه سوم به مقایسه مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان پرداخته و با استفاده از آزمون t مستقل مشخص شده که متوسط نمره مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر $45/21$ با انحراف استاندارد $24/88$ و دانشجویان دختر برابر $35/83$ با انحراف استاندارد $22/37$ می‌باشد که طبق معیار $t=3/881$ و $p=0/000$ مشخص می‌شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت معنی‌دار است و مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. این یافته تحقیق با مطالعه محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) که نشان داده بودند مشارکت اجتماعی مردان بیشتر از زنان است هم‌سو می‌باشد هم‌چنین این یافته تحقیق هم‌سو با مطالعه شفیع‌ی (۱۳۸۴) می‌باشد که گزارش کرده بود میزان مشارکت شهروندان مرد در امور شهری بیشتر از زنان می‌باشد. ولی این یافته با نتیجه دیانتی‌زاده (۱۳۸۲) ناهم‌خوان می‌باشد که گزارش کرده بین جنسیت و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

و در نهایت فرضیه آخر به بررسی مقایسه مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان پرداخته و براساس آزمون تحلیل واریانس انجام شده مشخص شده که متوسط نمره مشارکت اجتماعی دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی $34/81$ با انحراف استاندارد $22/05$ ، دانشجویان کشاورزی $40/43$ با انحراف استاندارد $29/57$ ، علوم انسانی برابر $45/18$ با انحراف استاندارد $25/22$ ، علوم پایه برابر $41/64$ با انحراف استاندارد $22/76$ ، هنر و معماری $27/99$ با انحراف استاندارد $18/34$ ، علوم پزشکی برابر $39/88$ با انحراف استاندارد $18/61$ و مشارکت اجتماعی پیراپزشکی $42/49$ با انحراف استاندارد $21/37$ می‌باشد که طبق معیار $f=2/933$ و $p=0/008$ مشخص شد اختلاف میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس رشته تحصیلی آنان معنی‌دار است و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان علوم انسانی بالاتر از رشته‌های دیگر است. نتایج این یافته تحقیق با توجه به ویژگی‌های رشته‌های تحصیلی دور از انتظار نیست. رشته‌های علوم انسانی با توجه به ویژگی‌های‌شان، افراد را به مشارکت و شرکت در کارهای جمعی و تیمی تشویق می‌کند. در میان تحقیقات قبلی یافته‌ای که با این فرضیه بتوان مقایسه نمود پیدا نشد چرا که اکثر تحقیقات پیشین به بررسی این مسأله پرداختند که آیا تحصیلات افراد در میزان مشارکت آن‌ها نقش دارد یا خیر. که همگی این مسأله را تایید نموده‌اند که افراد تحصیل کرده میزان مشارکت اجتماعی بالاتر دارند.

پیشنادهای کاربردی

- با توجه به رابطه بین هویت اجتماعی با مشارکت اجتماعی دانشجویان و با توجه به این که در بستر فرهنگی- اجتماعی یکی از وظایف جامعه و وسایل ارتباط جمعی کمک به تسهیل فرآیند هویت‌یابی است، لذا ارائه الگوهای مناسب و برنامه‌های فرهنگی، آموزشی در جهت دست‌یابی به هویت مطلوب و مناسب برای جوانان با در نظر گرفتن شرایط و خواسته‌های جوانان و وضعیت خود جامعه پیشنهاد می‌شود.
- با نظر به این که رضایت از خدمات دانشگاه با میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه دارد، پیشنهاد می‌شود با افزایش میزان رضایت دانشجویان از خدمات دانشگاهی با توسعه اماکن آموزشی، تفریحی و فرهنگی، علمی و تخصصی و توسعه خدمات آموزشی باعث افزایش مشارکت اجتماعی دانشجویان گردند.
- با توجه به رابطه بین عضویت در تشکلهای و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه باید شرایط و بسترهای مناسب برای سوق دادن افراد به درگیر شدن در فعالیت‌های تشکلهای ایجاد شود. به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های مناسب این باشد که به گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی بهای بیش‌تری داده شود. مسئولان دانشگاهی باید حمایت‌های لازم و مکفی را به این سازمان‌ها می‌دول دارند تا افراد علاقه‌مند، انگیزه بیش‌تری برای عضویت در این سازمان‌ها داشته باشند.
- با توجه به نتایج تحقیق و مشارکت پایین دانشجویان دختر پیشنهاد می‌شود زمینه‌های حضور پررنگ دختران در مسایل اجتماعی تقویت شود.
- با توجه به رابطه بین عضویت در تشکلهای و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه باید شرایط و بسترهای مناسب برای سوق دادن افراد به درگیر شدن در فعالیت‌های تشکلهای ایجاد شود. به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های مناسب این باشد که به گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی بهای بیش‌تری داده شود. مسئولان دانشگاهی باید حمایت‌های لازم و مکفی را به این سازمان‌ها می‌دول دارند تا افراد علاقه‌مند، انگیزه بیش‌تری برای عضویت در این سازمان‌ها داشته باشند.

منابع

- آریانپور، ع. (۱۳۷۳). فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی. تهران: نشر سپهر.
- آلموند، جی آ و بی جی پاول. (۱۳۸۰). مشارکت و حضور شهروندان. ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات - سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۳-۱۶۴.
- تقوی‌طلب، ا و دیگری. (۱۳۸۰). نحوه جلب مشارکت روستائیان شهرستان کوثر در اجرا و نگهداری پروژه‌های آب‌خیزداری. گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی استان اردبیل.

- توسلی، غ. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- جباروندجاوید، س. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر بحران هویت در میان دانشجویان مراکز تربیت معلم تبریز. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده علوم انسانی و تربیتی.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه: تورج یار احمدی، شیرازه.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تاثیر آن بر مشارکت اجتماعی. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- سفیری، خ و دیگری. (۱۳۸۴). محمد رضا، مشارکت اجتماعی جوانان از طریق تقویت سازمان‌های غیر دولتی توسعه اجتماعی. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- سفیری، خ و دیگری. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. سال بیستم، شماره ۲، ص ۳۴.
- شفیعی، ش. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان اردبیل، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد رودهن.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. معاونت و مشارکت مردمی جهادسازندگی، تهران.
- طوسی، م. (۱۳۷۰). مشارکت به چه معناست، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره سیزدهم، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت.
- نوروزی، ف و دیگری. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، ص ۲۶۹.
- نوذری، ح. (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس. تهران: نشر چشم.
- یزدان پناه، ل و دیگری. (۱۳۸۷). تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی. مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲.
- Hall, A. (1988). *Community participation and development policy, A sociological perspectives*, Edited by A. Hall and J. Midgely, Manchester University Press, Manchester.
- Price, Bob (2002). *social capital and factors effecting civic engagement as reported by leaders of voluntary associations*. The social science Journal, Vol 39, Issue 1.
- Tajfel, H. (1979). *An Integrative Theory of Inter group conflict*, Moterey, Brooks /cole. www.pataoghfa.com